

## نقش و جایگاه بزه‌دیده در حقوق تحقیقات جنایی

عباس شیری و برنامه‌خواستی\*

(تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۳۱)

### چکیده

حقوق تحقیقات جنایی با تمرکز بر قوانین و مقررات به بحث درباره‌ی کشف جرم، شناسایی متهم، اثبات بزه‌کاری، شناسایی بزه‌دیده و تعیین میزان آسیب‌های مادی و معنوی بر وی می‌پردازد. فرآیند تحقیقات جنایی با شکایت بزه‌دیده، اعلام مقامات رسمی و غیررسمی، اطلاع‌رسانی توسط اشخاص حقیقی، حقوقی، حامیان بزه‌دیده یا به واسطه‌ی کشف جرم توسط پلیس، آغاز می‌گردد. چالش اصلی در این مرحله، عدم شکایت و اعلام بزه‌دیدگی به پلیس و نهادهای عدالت کیفری است. معاینه‌ی محل بزه‌دیدگی و بررسی صحنه‌ی جرم محورهای اصلی حقوق تحقیقات جنایی را تشکیل می‌دهد. استماع شهادت شهود، اظهارات مطلعان و گزارشات کارشناسی در کشف حقیقت و اثبات بزه‌کاری مؤثر است و همواره بخشی از مباحث حقوق تحقیقات جنایی را تشکیل می‌دهد. در گذشته، حقوق تحقیقات جنایی بر بزه‌کار تمرکز داشته است، اما تحولات بزه‌دیده‌شناسی موجب گردید که حقوق تحقیقات جنایی به نقش و جایگاه بزه‌دیده نیز توجه نماید. این مقاله بر اساس رویکرد حمایتی از بزه‌دیدگان، به بررسی این موضوع در قلمروی بزه‌دیده‌شناسی می‌پردازد. اهم عناوین مورد بحث شامل؛ شروع تحقیقات جنایی و چالش‌های آن، نقش بزه‌دیده در معاینه‌ی محل و تحقیقات محلی و نقش بزه‌دیده در بررسی صحنه‌ی جرم می‌باشد.

کلید واژه: تحقیقات جنایی، بزه‌دیده، شکایت، اعلام جرم، گزارش دهی.

---

\* استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران: ashiri@ut.ac.ir

## مقدمه

تحقیقات مقدماتی اقداماتی است که به منظور کشف جرم، شناسایی متهم و تعقیب وی، حفظ آثار و علایم و جمع آوری ادله‌ی وقوع جرم، دستگیری متهم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن وی، وفق قانون صورت می‌پذیرد. ضابطان دادگستری، دادسرا و دادگاه، دارای وظایف و اختیاراتی در خصوص تحقیقات مقدماتی هستند. بخشی از تحقیقات مقدماتی، «تحقیقات جنایی» یا «تحقیقات» نامیده می‌شود. تحقیقات جنایی<sup>۱</sup> فرآیندی است که به موجب آن ضابطان دادگستری، با تکیه بر توانایی‌های حرفه‌ای و فنی خود، تحقیقات مربوط به جرم را آغاز می‌کنند. این موارد شامل: معاینه‌ی محل، تحقیق محلی، بازرسی و کارشناسی، بررسی صحنه جرم، بازرسی از منازل و اماکن مرتبط با جرم، احضار و تحقیق از متهم، شهود و مطلعان است که ضمن مواد ۱۲۳ تا ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) مورد بحث قرار گرفته است.

تحقیقات جنایی<sup>۲</sup> مانند سایر رشته‌های علوم جنایی با بررسی وضعیت بزه کار آغاز گردید،

۱. اصطلاح «تحقیقات جنایی» (Criminal Investigation) در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب (۱۳۹۲) به کار نرفته است. در ماده‌ی ۲۸ از واژه‌ی تحقیقات مقدماتی توسط ضابطان دادگستری استفاده نموده است. در ماده‌ی ۶۱ مقرر می‌دارد: «در تمام اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات... منظور از تحقیقات در این ماده، «تحقیقات جنایی» است. در ماده‌ی ۷۵ نظارت بر تحقیقات را از وظایف دادستان دانسته است که در این جا نیز منظور «تحقیقات جنایی» است. در مواد ۷۴، ۸۶، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۹۶، ۹۸ و ... نیز از واژه‌های تحقیقات مقدماتی و تحقیقات استفاده شده است.

۲. دکتر هانس گراس (H Groos) در سال ۱۸۹۳ کتابی تحت عنوان تحقیقات جنایی منتشر ساخت که تا ۱۹۰۸ بارها تجدید چاپ و به هشت زبان ترجمه شد. ظاهراً چاپ این کتاب با اصلاحات تا سال ۱۹۶۸ ادامه یافته است. این کتاب، راهنمای عملی مناسبی برای پلیس و قضات تحقیق به شمار می‌آید. فصول این کتب بر رفتارهای بزهکاران جرایم مختلف می‌پردازد و آثار به جا مانده در جرایم مختلف را به عنوان شواهد جرم، تجزیه و تحلیل می‌نماید. مشخصات کتاب یاد شده: Criminal Investigation: Sweet & Maxwell, Gross, H (1968)

جان، جی کانل (John J. Oconnell) و هری سودرمن (Harry Soderman) در سال ۱۹۳۵ کتابی تحت عنوان تحقیقات جنایی مدرن (Modern Criminal Investigation) منتشر نمودند. بخش‌های مهمی از این کتاب توسط سرهنگ یحیی افتخار زاده ترجمه شده و به چاپ رسید.

مطالعه‌ی این کتاب به خوبی نشان‌دهنده‌ی تمرکز تحقیقات جنایی بر بزه کاران است. تأکید بر شواهد فیزیکی مربوط به

ولی رفته رفته، تحت تأثیر بزه‌دیده شناسی قرار گرفت. در حال حاضر بخش مهمی از تحقیقات جنایی معطوف بر بزه‌دیده است.<sup>۱</sup> «تحقیقات جنایی» می‌تواند از ابعاد مختلف بررسی شود:

- از لحاظ فنی یا «فن تحقیقات جنایی» مترادف پلیس فنی؛

- از لحاظ علمی یا «پلیس علمی»، «کارشناسی یا فعالیت‌های آزمایشگاهی»؛

- از لحاظ مدیریتی یا «مدیریت تحقیقات جنایی» و از لحاظ علوم حقوق یا «حقوق تحقیقات جنایی» (انصاری، ۱۳۸۰: ۲). از جهات علمی و فنی، نقش و جایگاه پلیس تاکنون بیشتر مورد توجه بوده است. در این مقاله، نقش و جایگاه بزه‌دیده در حقوق تحقیقات جنایی با تأکید بر ملاحظات بزه‌دیده‌شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بزه‌دیدگان اولیه و ثانویه می‌توانند در فرایند تحقیقات جنایی نقش آفرینی نمایند و بدین وسیله به کشف جرم، شناسایی و تعقیب بزه‌کاران کمک نمایند.

پرسش اصلی این مقاله این است که نقش و جایگاه بزه‌دیده در حقوق تحقیقات جنایی چیست؟ در مقام پاسخ‌دهی به این پرسش، می‌توان اظهار داشت که تحت تأثیر تحولات بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، بزه‌دیده دارای نقش و جایگاه مهمی در پی‌ریزی، شکل‌گیری و جهت‌دهی تحقیقات جنایی است. نادیده گرفتن بزه‌دیده و به حاشیه راندن وی، باعث عدم کشف بزه‌کاری و اثبات آن و در نتیجه گسترش جرم و جنایت در بسیاری از موارد می‌گردد.

ضمن این‌که، بدون مشارکت بزه‌دیده در فرآیند تحقیقات جنایی، شناسایی آسیب‌های

بزه‌کاران از ویژگی‌های کتاب یاد شده است. چاپ سوم این کتاب در سال ۱۳۷۷، در ۵۶۶ صفحه به وسیله انتشارات زوار به چاپ رسید. ولی، کتاب‌هایی که به ویژه در دهه‌ی گذشته در خصوص تحقیقات جنایی در دنیا منتشر گردید، بر تحقیقات بزه‌دیده‌شناسی تأکید دارند. مثلاً برنت، ای تروی (Turvey, Brente) کتابی تحت عنوان Criminal profiling: an Introduction to behavioral evidence analysis به رشته تحریر درآورد. کتاب یاد شده توسط آقای اکبر استرکی ترجمه و در سال ۱۳۸۵ توسط مرکز مطالعات کاربردی - آگاهی ناجا تحت عنوان: «ترسیم شخصیت جنایی مجرم» به چاپ رسید. این کتاب، اهمیت بزه‌دیده‌شناسی در تحقیقات را به خوبی تبیین نموده است.

## 1. Criminal Investigation

وارد به وی و جبران آن نیز با اشکالات عمده‌ای مواجه می‌شود. در همین راستا، در این مقاله ابتدا در قسمت نخست «شروع تحقیقات جنایی و چالش‌های آن» مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ شکایت کیفری، عدم شکایت، عدم اعلام و گزارش دهی بزه‌دیدگان و عدم شناسایی مرتکب از اهم عناوین مورد بحث در این بند خواهد بود. قسمت دوم به «نقش بزه‌دیده در گونه‌های تحقیقات جنایی» اختصاص خواهد یافت. نتیجه‌گیری از مباحث مطرح شده، پایان بخش این مقاله خواهد بود.

### ۱. شروع تحقیقات جنایی و چالش‌های آن

امروزه، مطالعات بزه‌دیده‌شناسی در کلیه‌ی مراحل فرآیند عدالت کیفری از اهمیت خاصی برخوردار گردیده است. به ویژه در مرحله‌ی آغازین شکایت کیفری، که هنوز بزه‌کاران شناسایی نشده‌اند، نقش بزه‌دیده از اهمیت خاصی برخوردار است. در نظر گرفتن هرگونه حقی برای بزه‌دیده بعد از پذیرش شکایت کیفری در فرآیند تحقیقات جنایی به رسمیت شناخته می‌شود؛ بنابراین اگر به هر دلیلی مقامات عدالت کیفری، پلیس یا دادسرا، شکایت بزه‌دیده را نپذیرند، فرآیند تحقیقات جنایی آغاز نخواهد شد. از این رو، در دنیای امروز، «بزه‌دیده‌شناسی اولین و پایدارترین ابزاری است که ارائه‌کننده‌ی پیش‌زمینه و ارتباطات جرم و جهت‌گیری تحقیقات می‌باشد» (تروی، ۱۳۸۵: ۱۵۸).<sup>۱</sup>

مقامات عدالت کیفری از طرق مختلف در جریان وقوع جرم قرار می‌گیرند: شکایت شفاهی یا کتبی بزه‌دیدگان، وقوع جرم در مرئی و منظر مقامات عدالت کیفری، اظهار و اقرار متهم، اعلام وقوع جرم توسط شاهد یا مطلع، اعلام سازمان‌های مردم‌نهاد، گزارشات و نامه‌های

۱. ضمن این که، بزه‌دیده‌شناسی، علت بزه‌دیدگی را مشخص می‌کند و به این پرسش پاسخ می‌دهد که چرا و چگونه بزه‌کاران، بزه‌دیده‌ی خود را انتخاب می‌کنند؟ این موضوع، تحت عنوان «آماج جرم» بحث مستقلی را تشکیل می‌دهد که بحث تفصیلی آن از عهده‌ی این مقاله خارج است، هر چند مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

گزارش دهندگان و نویسندگان حتی در صورت مشخص نبودن هویت آنان.<sup>۱</sup> ضمن اینکه پلیس و سایر ضابطان دادگستری، دارای بخش‌های تجسّسی و اطلاعاتی بوده و به طور گسترده برای کسب اخبار بزه‌دیدگی فعالیت می‌نمایند. «نوعی از طرق تحصیل آگاهی از حوادث اینست که پلیس به هیچ وجه منتظر دریافت خبر و اطلاعیه و اعلامیه و شکایتی نمی‌شود، بلکه شخصاً یک سلسله برنامه‌های وسیع کسب خبر را به وسیله‌ی سازمانی که برای این کار مجهز کرده و اجرا می‌نماید. این عمل را اخذ اطلاعات (Information) می‌نامند» (انصاری، ۱۳۵۶: ۷۱ و ۷۲).

در مواردی هم، پلیس از طریق کشف جسد، کودک رها شده، خودرو رها شده، تلفن‌های ناشناس و ... در جریان وقوع جرم قرار می‌گیرد. ولی طرح شکایت کیفری توسط بزه‌دیده یا اعلام<sup>۲</sup> مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن، چرخ‌های نظام عدالت کیفری را به حرکت درمی‌آورد و نقطه‌ی آغازین فرآیند تحقیقات جنایی است. معمولاً بسیاری از بزه‌دیدگان، برای نخستین بار درگیر چنین فرآیند و تشریفات می‌شوند و هیچ‌گونه آشنایی با آن ندارند؛ با این حال ناگهان بعد از بزه‌دیدگی خود را مواجه با انبوهی از سؤالات پلیس و سایر مقامات عدالت کیفری می‌بینند. ضمن اینکه ناگزیرند، زیر اظهارات خود را هم امضاء کنند و بدین وسیله به آن رسمیت ببخشند. آشنایی با این فرآیند در روند تحقیقات جنایی حائز اهمیت خاص است<sup>۳</sup> و متعاقباً بحث از چالش‌های تحقیقات جنایی در رابطه با بزه‌دیده ضروری است.

۱. برای آگاهی از این موارد به مواد ۳۷، ۴۴، ۴۵، ۶۴، ۶۵، ۶۶ و تبصره‌های آن (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴)، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱ و ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) رجوع نمایید.

۲. بین شکایت و اعلام تفاوت وجود دارد. شکایت توسط بزه‌دیده و متضرر از جرم صورت پذیرد، ولی اعلام کننده شخصاً ذی نفع نبوده و از وقوع جرم متضرر نشده است و صرفاً آگاهی‌های خویش را به مقامات عدالت کیفری اعلام می‌کند. در این باره به مواد ۶۴، ۶۵ و ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ رجوع نمایید.

۳. برای آگاهی بیشتر در این باره رک. شیری، عباس: رفتار کرامت مدار با بزه‌دیده، اعطای اختیار در مرحله‌ی تحقیق و تعقیب، مندرج در کتاب تازه‌های علوم جنایی، جلد اول، زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، صص ۴۴۷ تا ۴۶۳ نشر میزان، چاپ دوم، در مقاله یاد شده حقوق بزه‌دیده در این مرحله تحقیق و تعقیب مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

### ۱-۱. گزارش‌دهی و اعلام بزه‌دیدگی

در بسیاری از جرایم و پرونده‌های کیفری، چنان‌چه بزه‌دیده شخصاً شکایت نکند یا بعد از شکایت در روند تحقیقات جنایی نقش فعال ایفاء نکند، ممکن است پرونده به دست فراموشی سپرده شود. در فرآیند تحقیقات جنایی، شناسایی و معرفی مرتکب، احضار و تحقیق از وی، جمع‌آوری مدارک اثبات بزه‌کاری، تحقیق از شهود و مطلعان و سایر موضوعات مرتبط در پرتو نقش بزه‌دیده امکان‌پذیر می‌گردد.

در حقوق ایران، بزه‌دیدگان دارای حق قانونی تعقیب متهمان با طرح شکایت کیفری هستند. در حالی که در اکثر نظام‌های کیفری دیگر چنین حقی به رسمیت شناخته نمی‌شود و یا در موارد محدودی مورد پذیرش قرار گرفته است.<sup>۱</sup> در حقوق ایران، برخی جرایم جز با شکایت بزه‌دیده آغاز نمی‌گردد. ماده‌ی ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲): «تعقیب متهم و اقامه دعوی ... از جهت حیثیت خصوصی با شاکی یا مدعی خصوصی است».

این جرایم، دو گونه‌اند: گروه نخست، جرایم قابل گذشت است که با شکایت بزه‌دیده آغاز و با گذشت وی مختومه می‌گردند. طبق ماده‌ی ۱۲ قانون یاد شده: «تعقیب متهم در جرایم قابل گذشت، فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف می‌شود.» اختیار بزه‌دیده در این جرایم مطلق است و در هر مرحله‌ای از شکایت کیفری چنین امکانی برای وی وجود دارد. بزه‌دیده در این گروه از جرایم، نقشی اصلی را بر عهده دارد و می‌تواند تا به آن‌چه می‌خواهد دست نیابد، به شکایت خویش ادامه دهد. گروه دوم، جرایم غیرقابل گذشت است که بزه‌دیده در نقطه‌ی آغازین شکایت کیفری نقش آفرینی می‌کند، ولی بعد از شکایت، کنترلی بر دعوای کیفری نخواهد داشت.<sup>۲</sup>

1. See. Lorraine Welhuter, Neilolley and David Denham, *Victimology: victimization and Victim's*, PP. 173-179, Roulledge Cavendishim, 2009.

۲. زیرا طبق ماده‌ی ۸ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) جرم دارای حیثیت عمومی، از جهت تجاوز و تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی علاوه بر حیثیت خصوصی، فرض می‌شود که موقوف شدن آن فقط در موارد مندرج در

بر اساس ماده‌ی ۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) بزه‌دیده، ضمن بیان مشخصات کامل خود (نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، تابعیت، مذهب، شماره شناسنامه، شماره ملی، نشانی دقیق، تلفن و کد پستی)، باید موضوع شکایت، تاریخ و محل وقوع جرم را مشخص نماید، دلایل خویش را ابراز و در صورت امکان مشخصات متهم را نیز بیان کند.

اولین مواجهه‌ی بزه‌دیده، با پلیس است. لذا پرسش‌های پلیس در روند تحقیقات جنایی حائز اهمیت است. تخصص پلیس درباره‌ی نوع بزه‌دیدگی، تجربه و آموزش‌های وی می‌تواند در یافتن سر نخ جهت شناسایی بزه‌کاران یا اثبات بزه‌کاری آنان مؤثر باشد. رویکردهای پلیس متناسب با نوع جرم (سرقت، تجاوز، قتل، توهین، ضرب و جرح...) متفاوت است. در مواردی ممکن است با بزه‌دیدگان همدردی نموده یا وی را سرزنش نماید. نوع رفتار پلیس می‌تواند در روند تحقیقات جنایی مؤثر باشد. بحث دقیق‌تر مستلزم بررسی دقیق و تفکیک شده درباره‌ی انواع جرایم است. ممکن است موضوع شکایت در صلاحیت تخصصی یا محلی پلیس یا سایر مقامات عدالت کیفری نباشد، ولی به جهت حفظ حقوق بزه‌دیده، دخالت آنان علی‌رغم عدم صلاحیت ضروری باشد. مثلاً ضابطان دادگستری در جرایم مشهود، وفق ماده‌ی ۴۴ و ۴۵ و در جرایم غیر مشهود طبق صدر ماده‌ی ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری، دارای تکالیف و وظایفی جهت حفظ آلات، ادوات، آثار، علایم و ادله‌ی وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، حفاظت از بزه‌دیده و... می‌باشند. هم‌چنین ماده‌ی ۷۸ قانون یادشده مقرر می‌دارد: «در جرایم مشهود که رسیدگی به آن‌ها از صلاحیت دادگاه محل خارج است، دادستان مکلف است تمام اقدامات لازم را برای جلوگیری از امحای آثار جرم و فرار و مخفی شدن

ماده‌ی ۱۳ همان قانون امکان پذیرد که طبق بند ب ماده‌ی یاد شده «گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت» یکی از آن موارد است، در جرایم غیر قابل گذشت، در صورتی که سایر موارد پیش‌بینی شده در ماده‌ی یاد شده وجود نداشته باشد، تعقیب امر کیفری ادامه خواهد یافت.

متهم انجام دهد و هر تحقیقی را که برای کشف جرم لازم بدانند، به عمل آورد و نتیجه اقدامات خود را فوری به مرجع قضایی صالح ارسال کند». ضمن اینکه نژاد، مذهب، تابعیت، سن، جنسیت، مکان زندگی، سطح معیشت بزه دیده، مظنون یا متهم نیز در روند تحقیقات جنایی مؤثر است. ممکن است پلیس شکایت‌های اتباع بیگانه نظیر اتباع افغانستان یا افراد فقیر را کم‌اهمیت تلقی نماید و برعکس شکایت یک ایرانی را علیه یک افغانی با جدیت بیشتری دنبال کند. یا شکایت یک زن معتاد و تن فروش را علیه یک شخص، کم‌اهمیت تلقی کند و برعکس شکایت یک فرد با ظاهری آراسته و موقعیت برتر و احتمالاً سفارش شده را مناسب‌تر دنبال کند. بررسی پرونده‌های متعدد از دیدگاه تحقیقات جنایی نشان می‌دهد که ضابطان دادگستری رویکردهای یکسانی نسبت به پدیده‌های مختلف جنایی ندارند.<sup>۱</sup>

مقامات عدالت کیفری باید بتوانند به نحو مناسبی رابطه‌ی بزه دیده و بزه کار را تبیین نمایند. آیا آن‌ها هم دیگر را می‌شناخته‌اند؟ آیا بزه دیده با میل و رضای خود همراه با بزه کار رفته است و بعداً مورد تجاوز و قتل قرار گرفته است؟ آیا بزه دیده در وضعیت خاص مثل اعتیاد یا مستی یا عدم تعادل روانی قرار داشته است؟ هر کدام از این وضعیت‌ها می‌تواند به پلیس جهت یافتن سرنخ‌های لازم و شناسایی انگیزه مرتکب کمک کند. از طرف دیگر ممکن است در تبیین رابطه بزه دیده و بزه کار، سن (کودک یا نوجوان یا بزرگسال بودن)، جنسیت و تابعیت هر کدام از طرفین، بر روند تحقیقات جنایی مؤثر باشد. موضوع دیگر آنکه آیا بزه دیده، سابقه بزه دیدگی‌های قبلی داشته است یا بزه کار فردی سابقه دار بوده است.<sup>۲</sup> برخورد پلیس در مواجهه با

۱. پلیس ایران به ویژه در سال‌های اخیر، سازوکارهای مناسبی جهت نظارت بر کار ضابطان تدارک دیده است. بازرسی ناجا، حفاظت اطلاعات، مرکز نظارت همگانی و ... در موارد متعددی به شکایت بزه دیدگان و خانواده‌های آنان رسیدگی کرده و نسبت به برخورد انتظامی و قضایی با مأموران اقدام نموده‌اند و به احقاق حقوق بزه دیدگان و اجرای عدالت کمک کرده‌اند.

۲. برای مطالعه بیشتر در این باره رک:



یک بزه‌کار سابقه‌دار نسبت به فردی که فاقد سابقه است متفاوت خواهد بود. برای آغاز تحقیقات جنایی، طرح شکایت توسط بزه‌دیده در همه‌ی موارد ضروری نیست. در جرایم مشهود،<sup>۱</sup> پلیس مجاز به مداخله بوده و می‌تواند فرآیند تحقیقات جنایی را آغاز کند. در قسمتی از ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) مقرر می‌دارد: «... ضابطان دادگستری در باره جرایم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند...» مطابق تجویز ماده‌ی یادشده، ضابطان دادگستری می‌توانند در جرایم مشهود، مستقیماً و بدون نیاز به شکایت بزه‌دیده، یا اعلام اشخاص مطلع و گواهان، فرآیند تحقیقات جنایی را آغاز نمایند. این تجویز منحصرراً در اختیار ضابطان دادگستری است و برای سایر نیروهای پلیس یا نیروهای مسلح و امنیتی چنین اختیاری وجود ندارد.

## ۲-۱. عدم گزارش دهی و اعلام بزه‌دیدگی

یکی از موضوعات مهم در ارتباط با بزه‌دیده‌شناسی تحقیقات جنایی، عدم شکایت یا اعلام بزه‌دیدگان<sup>۲</sup> است. این موضوع تحت عنوان عدم گزارش دهی بزه‌دیدگان یا عدم شکایت و

- برجس، آن ولبرت و دیگران: بزه‌دیده‌شناسی، نظریه‌ها و کاربردها، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک محمدی، صص ۱۹۸ تا ۲۰۰، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۹.

۱. مصادیق جرم مشهود در ماده‌ی ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) بیان شده است.

۲. بر اساس پژوهش صورت گرفته در شهر تهران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، با توزیع ۸۰۰ پرسشنامه در نقاط مختلف شهر تهران، دلایل عدم گزارش دهی بزه‌دیدگان (۵۱٪ مرد و ۴۹٪ زن) مورد بررسی قرار گرفته است. «۶۳۲ نفری که قربانی جرم واقع شده‌اند اعلام کرده‌اند که ۱۳۸۷ جرم علیه خود یا بستگان درجه‌ی اول آن‌ها اتفاق افتاده است که از این تعداد ۶۱۰ نفر (۴۴ درصد) را به پلیس و مراجع قضایی گزارش داده‌اند و تعداد ۷۷۷ مورد یعنی ۵۶ درصد جرایمی را که علیه آن‌ها اتفاق افتاده هیچ‌گاه به پلیس و یا مراجع قضایی اطلاع نداده‌اند.» (پورعلی، ص ۱۶، ۱۳۹۵)

دادخواهی در بزه‌دیده‌شناسی مورد بحث قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup> در همه‌ی موارد، بزه‌دیده‌مایل به طرح شکایت یا اعلام مراتب بزه‌دیدگی نیست. «موانع گزارش دهی، دربردارنده‌ی مورد‌های زیر است: عدم آموزش درباره‌ی چگونگی گزارش دهی، ترس از واکنش مرتکب یا بزه‌کار، ابهام در تعریف‌های آزار و بی‌توجهی، ترس از این که نهادهای محافظت از کودک فشار روانی بیشتری را بر خانواده تحمیل کنند، ترس از سرزنش شدن به‌خاطر سوءمدیریت در این مورد و نگرانی‌هایی از اجبار به ادای شهادت در دادگاه» (وینتن، ۱۳۹۳: ۱۲۹).

عدم طرح شکایت یا گزارش دهی به پلیس و سایر مقامات عدالت کیفری، موجب عدم اطلاع آنان و در نتیجه عدم پیگیری‌های بعدی خواهد شد. در این صورت متهم نیز شناسایی و تعقیب نخواهد شد. این موضوع، نه تنها آسیب‌های وارده به بزه‌دیده را جبران نخواهد کرد، بلکه موجب استمرار بزه‌کاری و در خطر قرار گرفتن سایر اعضای جامعه خواهد شد. ضمن این که رقم سیاه بزه‌دیدگی را نیز افزایش خواهد داد. امکان ترسیم سیمای دقیق از وضعیت جنایی جامعه را نیز کاهش خواهد داد.

در دنیا پیمایش‌های متعددی درباره‌ی بزه‌دیدگان صورت گرفته است که براساس آن‌ها، بتوان نرخ بزه‌دیدگی را در جوامع مختلف و نوع بزه‌دیدگی را مشخص کرد.

براساس پژوهش مذکور، بیشترین میزان عدم گزارش مربوط به جرایم علیه اشخاص، کار اجباری ۱۰٪، توهین ۸۵/۵۶٪، جرایم جنسی ۸۱/۸۱٪، قذف و اتهام جنسی ۸۰/۹۵٪، افترا و تهمت ۷۳/۷۵٪، تهدید به قتل ۷۱/۷۹٪، توقیف غیر قانونی ۶۳/۱۵٪، در حالی که در جرایم علیه اموال بیشترین گزارش بزه‌دیدگی مشاهده می‌شود. چک بلامحل ۳۴/۷۴٪، سرقت ۳۸/۳۳٪، جعل ۴۰٪، کلاهبرداری ۴۵/۶۷٪ بزه‌دیدگی خود را گزارش نکرده‌اند. (با نقل از: پورعلی، ۱۰۴، ۱۳۹۵).

۱. برای مطالعه بیشتر در این باره، رک:

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین / توجهی، عبدالعلی، بزه‌دیده‌شناسی و مشکل بزه‌دیدگی‌های گزارش نشده، مجله‌ی مدرس، زمستان ۱۳۷۸، شماره‌ی ۴، صص ۷۱ تا ۸۰.

— پورعلی، رامین: بررسی دلایل عدم دادخواهی بزه‌دیدگان، مطالعه‌ی موردی شهر تهران (۱۳۹۵ — ۱۳۹۰)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، به راهنمایی دکتر عباس شیری، ۱۳۹۵، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

### ۱-۲-۱. عدم شکایت و گزارش‌دهی در تهاجم‌های جنسی

عدم شکایت و گزارش‌دهی در تجاوز جنسی، سوءاستفاده جنسی و سایر آزارهای جنسی، از سایر جرایم بیشتر است. «در رابطه با بزه‌دیدگی از جرایم شخصی، مانند تهاجم‌های جنسی که مرتکب آن‌ها از آشنایان بزه‌دیده است، پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که این جرایم، اغلب به مراجع رسمی گزارش داده نمی‌شود. به‌طور خاص، داده‌های ملی نشان می‌دهد که بیش‌تر زنان میان سنین ۱۶ تا ۲۴ سال که بزه‌دیده تجاوز یا تهاجم جنسی واقع می‌شوند، بزه‌دیدگی خود را گزارش نمی‌کنند» (هارتمن، ۱۳۹۳: ۸۵۴).

### ۲-۲-۱. کم‌اهمیت تلقی کردن جرم

ممکن است بزه‌دیده، جرم را کم‌اهمیت تلقی کند و به همین جهت از طرح شکایت خودداری کند، مثل سرقت‌های لوازم ماشین، یا اشیاء کم ارزش، ضرب و جرح‌های ساده، توهین و نظایر آن‌ها.

### ۳-۲-۱. ترس از انتقام

ممکن است علت عدم شکایت یا اعلام بزه‌دیدگان، ترس از انتقام توسط بزه‌کار یا حامیان وی باشد. مثلاً بزه‌دیدگان علیه اشخاص ذی نفوذ، مقامات اداری بالاتر، اعضای باندهای تبهکاری، نهادهای قدرتمند و نظایر آن‌ها، ممکن است به علت ترس از بزه‌دیدگی دوباره، از شکایت کردن علیه آنان خودداری نمایند.

### ۴-۲-۱. وابستگی‌های مادی یا معنوی

برخی از افراد ممکن است از نظر مادی یا معنوی به دیگران وابسته و تحت مراقبت آن‌ها قرار داشته باشند. به‌عنوان مثال ممکن است فرد به وسیله اعضای خانواده، مراقبان و پرستاران خویش

مورد اذیت و آزار جسمی یا روحی قرار بگیرند، ولی به دلیل وابستگی‌های عاطفی و روانی، یا نیاز به خدمات آن‌ها و عدم توانایی در اداره کارهای خود و وضعیت خاص جسمی، از طرح شکایت خودداری کنند. حتی در صورت آگاهی و پی‌گیری پلیس نیز، حاضر به همکاری و گزارش بزه‌دیدگی خود نیستند. نمونه بارز آن سالمندان و اشخاص دارای بیماری‌های صعب‌العلاج هستند. اعضای خانواده، پرستاران و مراقبان، از نظر روانی و در نتیجه‌ی مراقبت‌های طولانی، تحت فشار قرار می‌گیرند، به گونه‌ای که حتی از شخص سالمند یا بیمار متنفر می‌شوند و آرزوی مرگ وی را می‌کنند. همین موضوع موجب بدرفتاری و حتی ارتکاب جرم علیه آنان را فراهم می‌سازد. ضمن اینکه وجود شخص سالمند و احياناً مبتلا به معلولیت یا بیماری‌های سخت نظیر آلزایمر یا ام اس و ... آنان را به موجوداتی بی‌ارزش در ذهن اطرافیان تبدیل می‌کند.

#### ۱-۲-۵. عدم گزارش‌دهی در همسر آزاری

یکی دیگر از مواردی که با عدم گزارش‌دهی یا شکایت روبرو می‌شود، موارد بزه‌دیدگی همسران است. «نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی که به همسر آزاری به عنوان یک پدیده‌ی قابل قبول می‌نگرند، می‌توانند موانع بزرگی برای تضمین این که زنان برای پایان دادن به خشونت درخواست کمک کنند، ایجاد کنند» (نوالا / جانسون، ۱۳۹۳: ۶۹۴).

معمولاً زن‌ها، اعتمادی در رجوع به پلیس و دستگاه عدالت کیفری برای حل مشکلات مربوط به بزه‌دیدگی خویش ندارند و برای حفظ زندگی خود و پیش‌گیری از فروپاشی خانواده، از طرح شکایت یا گزارش بزه‌دیدگی‌های خود اجتناب می‌کنند.

«این تمایل می‌تواند برخاسته از یک احساس آشفتگی از بزه‌دیده شدن، بی‌اعتمادی نسبت به دستگیری فرد بزه‌کار پس از اعلام حادثه، امید به داغ‌ننگ خوردن مربوط به یک پرونده جرم یا محافظت از خانواده یا نزدیکان در برابر افراد مرتکب این جرم باشد» (برجس و دیگران،

۱۳۹۵: ۳۸۸)، مثلاً ممکن است در صورت شکایت، اعضای خانواده وی مورد اذیت و آزار همسرش قرار گیرند.

### ۱-۲-۶. ترس از دستگیری

بزه‌دیدگان ممکن است به دلیل اعتیاد یا روسپی‌گری، اقامت غیرقانونی (مانند افاغنه) یا دلایل دیگر از مراجعه به پلیس خودداری نمایند. مثلاً در پرونده‌ی سعید حنایی (مرد عنکبوتی)، برخی از قربانیان موفق به فرار از دست سعید حنایی می‌شوند،<sup>۱</sup> ولی از آن‌ها سؤال می‌شود که چرا به پلیس مراجعه نکرده‌اید، اعلام می‌کنند که می‌ترسیدیم بازداشت شویم. چون روسپی‌گری در ایران جرم است، بازماندگان این گونه جرایم از گزارش به پلیس یا طرح شکایت خودداری می‌کنند. همین موضوع در پرونده‌ی مهدی<sup>۲</sup> در قزوین نیز مشاهده می‌شود. برخی از اولیاء دم کودکانی که قبلاً ربوده و مورد تجاوز قرار گرفته بودند، افغانی و فاقد کارت اقامت بوده‌اند، نگران این مسأله بودند که در صورت پی‌گیری و طرح شکایت ممکن است، از کشور اخراج شوند.

به همین جهت قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) در این ارتباط تمهیداتی را اندیشیده که فرآیند تحقیقات جنایی، حتی در صورت عدم شکایت یا اعلام بزه‌دیده، آغاز شود. به عنوان مثال ماده ۶۶ قانون یادشده اصلاحی (۱۳۹۴/۳/۲۴) مقرر می‌دارد:

«سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان،

۱. در این خصوص، فیلم مستند «عنکبوت آمد» ساخته مازیار میری درباره‌ی جنایت‌های ارتکاب یافته توسط سعید حنایی را مشاهده نمایید. در این فیلم مصاحبه‌های متعددی با سعید حنایی، خانواده بزه‌دیدگان، یکی از بزه‌دیدگان نجات یافته، قاضی پرونده و اعضای خانواده سعید حنایی صورت گرفته است. این فیلم در سال ۲۰۰۱ میلادی در خارج از ایران به نمایش درآمد، ولی در ایران اجازه قانونی پخش را دریافت نکرد.

۲. در پرونده کلاسه ۹۰۰۹۹۸۲۸۱۳۶۰۰۷۱۳ — ۹۰۰۹۹۸۲۸۱۳۶۰۰۰۸۹ مطروحه در شعبه‌ی دوم دادگاه کیفری استان قزوین نامبرده به اتهام تجاوز و قتل محکوم گردید. با وی در زندان چوبین در قزوین چندین جلسه مصاحبه کردم که مستقلاً منتشر خواهد شد.

اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند».

در همین ارتباط تبصره یک ماده‌ی یاد شده، مواد ۶۷، ۷۰ و ۷۱ همین قانون در این خصوص قابل توجه است. ماده‌ی ۲۸ قانون یاد شده نیز وظیفه ضابطان دادگستری را «کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله‌ی وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم» اعلام نموده است. لذا، ضابطان در جرایم غیر قابل گذشت منتظر اعلام و شکایت شاکی نمی‌مانند. البته بدیهی است در برخی موارد، عدم اعلام بزه‌دیدگان ممکن است، منجر به عدم اطلاع ضابطان و مقامات عدالت کیفری از وقوع جرم باشد.

### ۳-۱. اعلام بزه‌دیدگی یا گزارش دهی

الزام به گزارش دهی درباره‌ی بزه‌دیدگی، در جهت مراقبت از افراد در معرض خطر بزه‌دیدگی و پیش‌گیری از آسیب‌های جسمی و روحی مهم است. در جرایمی نظیر تجاوز جنسی یا سرقت اموال، یا ابتلای به بیماری‌های واگیردار و مقاربتی<sup>۱</sup> همچون ویروس اچ. آی. وی (H.I.V) و نظایر آن‌ها، گزارش دهی می‌تواند از جهت در معرض خطر قرار گرفتن دیگران

۱. مثلاً ماده ۱۱۱ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰ و اصلاحات ۱۳۸۹/۲/۲۱ در این باره مقرر می‌دارد: «بهداری زندان موظف است از زندانی تازه وارد معاینات کامل پزشکی به عمل آورده، در صورت لزوم با انجام آزمایش‌های تشخیص طبی برنامه‌ریزی و حسب مورد نسبت به درمان یا معرفی وی به مراکز مربوطه اقدام و کلیه اقدامات پزشکی در پرونده‌ی وی درج گردد.» بر اساس ماده ۱۱۲ آیین‌نامه مذکور: «محکومان مبتلا به بیماری‌های روانی، واگیردار و پرخطر باید با لحاظ نظر پزشک متخصص و نیز سیاست‌های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به صورت مجزا نگهداری و معالجه شوند.»

شماره مواد و متن‌های منتشره در خصوص آیین‌نامه یاد شده، با هم اختلاف دارد. این آیین‌نامه از کتاب: مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات کیفری کاربردی، ج اول، صص ۶۲۴ و ۶۲۵، چاپ اول، ۱۳۹۶، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه نقل گردیده است.

و پیش‌گیری از بزه‌دیدگی حائز اهمیت باشد. الزام به گزارش‌دهی در برخی از قوانین همچون قانون مگان<sup>۱</sup> در آمریکا گنجانده شده است و در قوانین و مقررات ایران نیز بازتاب یافته است. مثلاً قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۸۷/۲/۲۹ موارد مهمی از الزام به گزارش‌دهی را پیش‌بینی نموده است. ماده‌ی ۱۳ قانون یاد شده در این ارتباط مقرر می‌دارد: «کلیه‌ی مسئولان دستگاه‌های مشمول<sup>۲</sup> این قانون موظفند بدون فوت وقت از شروع یا وقوع جرائم مربوط حوزه‌ی مأموریت خود بلافاصله باید مراتب را به مقامات قضائی و اداری رسیدگی‌کننده به جرائم و تخلفات گزارش نمایند، در غیر این صورت مشمول مجازات مقرر در ماده (۶۰۶) قانون مجازات اسلامی<sup>۳</sup> می‌شوند». براساس تبصره ماده‌ی یاد شده، کارکنان دستگاه‌های موضوع این قانون نیز در حیطه‌ی وظایف خود، مکلف به گزارش به مقامات بالاتر و یا واحد نظارتی هستند.

مورد دیگر در ماده‌ی شش قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب ۱۳۸۱/۹/۲۵) پیش‌بینی شده است: «کلیه‌ی افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسؤولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند مکلفند به محض مشاهده‌ی موارد کودک‌آزاری مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضائی اعلام نمایند و

۱. به موجب قانون مگان (Megan's Law) (مصوب ۱۹۹۶) در آمریکا، همه ایالت‌ها مکلف شدند که اسامی بزه‌کاران تجاوز جنسی را ثبت و در حوزه‌های محل زندگی آن‌ها، اسامی و عکس‌های آن‌ها را منتشر نمایند. نام قانون از یک دختر بزه‌دیده به نام مگان کانکا (Kanka) هفت ساله و اهل نیوجرسی آمریکا اقتباس شده است. مرتکب بعد از تجاوز مگان را کشت. در فرایند رسیدگی‌های قضایی پدر و مادر مگان اعلام کردند که اگر از وجود یک متجاوز جنسی در همسایگی خویش اطلاع داشتند، از فرزند خود بیشتر مراقبت می‌کردند.

۲. دستگاه‌های مشمول این قانون، در ماده‌ی ۲ قانون یاد شده پیش‌بینی شده است.

۳. ماده‌ی ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) مقرر می‌دارد: «هر یک از روسا یا مدیران یا مسوولین سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در ماده (۵۹۸) که از وقوع جرم ارتشاء یا اختلاس یا تصرف غیرقانونی یا کلاهبرداری یا جرایم موضوع مواد (۵۹۹) و (۶۰۳) در سازمان یا مؤسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیت‌دار قضائی یا اداری اعلام ننمایند علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال به انفسال موقت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.»

تخلف از این تکلیف موجب حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال خواهد بود.<sup>۱</sup>

در موارد خاص پزشکی و در بیماری‌های مقاربتی و آمیزشی<sup>۲</sup> الزام به گزارش‌دهی به منظور پیش‌گیری از ورود آسیب به دیگران در قوانین و مقررات مربوطه پیش‌بینی شده است. ماده‌ی ۱۳ قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوب ۱۳۲۰/۳/۱۱ در این ارتباط مقرر می‌دارد: «پزشکان آزاد و کلیه‌ی بنگاه‌های بهداشتی که معاینه و درمان بیماری‌های آمیزشی می‌نمایند، موظفند در آخر هر ماه عده بیماری‌های آمیزشی را که دیده‌اند و قبلاً به پزشک دیگری مراجعه نموده‌اند، بدون ذکر نام و مشخصات بیماری به بهداشتی بفرستند...»<sup>۳</sup>.

ماده ۱۹ همان قانون، مصادیق دیگری از انواع بیماری‌های واگیردار را معین و گزارش‌دهی در آن موارد را برای پزشک معالج، ماماها، رئیس خانواده نسبت به اهل خانه و صاحب مهمان‌خانه‌ها درباره‌ی مسافران اجباری اعلام نموده است. همین وظیفه برای متصدیان مدارس، کارخانجات، پرورشگاه‌های کودکان و زندان نیز در تبصره‌ی ماده یاد شده پیش‌بینی شده است. گزارش‌دهی درباره‌ی بزه‌دیدگی معلولان و ایجاد امکانات لازم برای دریافت شکایات و گزارشات آنان در فرایند تحقیقات جنایی ضروری است. «هر ناشنوایی ممکن است نیاز به مترجم

۱. موارد الزام به گزارش‌دهی، باید به موجب قوانین مستقل یا در ضمن مواد قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی گردد. این الزام می‌تواند به صورت آگاهی‌دهی توسط پلیس، افشای اسامی افراد خطرناک، به منظور دستگیری یا پیش‌گیری از وقوع جرم و ... باشد.

## 2. Sexually transmitted disease (STD)

منظور از آن، بیماری‌هایی است که از طریق آمیزش جنسی (از طریق مهبل، مقعد یا دهان) انتقال پیدا می‌کند. بیماری‌های جنسی از طریق خون نیز منتقل می‌شوند.

۳. مشهورترین این بیماری‌ها، سوزاک، سیفلیس، هپاتیت، اچ‌آی‌وی (HIV) و ... می‌باشند. در همین ارتباط آیین‌نامه‌ی طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و واگیردار ضوابط بسیار مهمی را وضع نموده است.



یا دستگاه کنفرانس ویدئویی داشته باشد. اظهارات فرد دچار معلولیت ذهنی که منظور خود را به شکلی متفاوت بیان می‌دارد، ممکن است جدی گرفته نشود یا برداشت غلطی از آن بشود... دست یافتن به خدمات مداخله‌ای، هم‌چنین نیازمند وسایل حمل و نقل آسان و قابل دسترسی برای بزه‌دیدگان معلول است» (بونئی، ۱۳۹۳: ۴۲۵).

ماده ۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) معلولیت جسمی یا ذهنی در تعقیب کیفری را مورد توجه قرار داده است. «در مواردی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است، اگر بزه‌دیده طفل یا مجنون باشد و ولی قهری یا سرپرست قانونی او با وجود مصلحت مولی علیه اقدام به شکایت نکند، دادستان موضوع را تعقیب می‌کند. همچنین در مورد بزه‌دیدگانی که به عللی از قبیل معلولیت جسمی یا ذهنی یا کهولت سن، ناتوان از اقامه دعوی هستند، دادستان موضوع را با جلب موافقت آنان تعقیب می‌کند. در این صورت، در خصوص افراد محجور، موقوف شدن تعقیب یا اجرای حکم نیز منوط به موافقت دادستان است.»

موضوع مهم دیگر در این ارتباط توجه به نقش و جایگاه رسانه‌های عمومی به گزارش‌دهی جرم است.<sup>۱</sup> مولوی محمدطیب ملازهی امام جمعه شهرستان ایران‌شهر در خطبه‌های عید فطر (۱۳۹۷) اعلام کرد که ۴۱ دختر در این شهر مورد تجاوز گروهی قرار گرفته‌اند؛ در حالی که متهم دستگیر شده، به ۴۱ مورد تجاوز اعتراف کرده است، اما تنها سه نفر از قربانیان حاضر به طرح شکایت کیفری شده‌اند.<sup>۲</sup>

۱. برای مطالعه بیشتر در این ارتباط رک.

Schlesinger, Philip- Tumber, Howard: REPORTING CRIME, The Media Politics of Criminal Justice, CLARENDON PRESS, OXFORD, 1995.

۲. فیلم «هیس دختران فریاد نمی‌زنند» موارد عدم شکایت قربانیان سوءاستفاده جنسی را به تصویر کشیده است. این فیلم ساخته‌ی پوران درخشنده است و در مرداد ماه ۱۳۹۲ با موضوع آزار جنسی کودکان دختر اکران شد. نویسنده و کارگردان فیلم، داستان خود را از روایات واقعی که برایش نقل شده، اقتباس کرده است. این فیلم جوایز متعدد داخلی و بین‌المللی را دریافت کرده است و در بخشی از آن، به دلایل عدم شکایت خانواده بزه‌دیدگان، اشاره می‌کند.

## ۲. نقش بزه‌دیده در گونه‌های تحقیقات جنایی

در فرآیند تحقیقات جنایی، ابزارها و شیوه‌هایی برای کشف حقیقت و اثبات بزه‌کاری پیش‌بینی شده است. اهم این موارد شامل، معاینه‌ی محل، تحقیق محلی، بررسی صحنه‌ی جرم، بازرسی از منازل و اماکن، احضار و تحقیق از متهم، شهود و مطلعان می‌باشد.<sup>۱</sup>

### ۲-۱. نقش بزه‌دیده در شناسایی بزه‌کار

یکی از چالش‌های جدی تحقیقات جنایی و مشکلات اصلی بزه‌دیده عدم شناسایی مرتکب است. در ماده‌ی ۲۱ بیانیه‌ی اصول پایه عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت<sup>۲</sup> آمده است: «به موجب این بیانیه، یک فرد ممکن است بدون در نظر گرفتن این موضوع که آیا مرتکب، شناسایی، توقیف، تعقیب یا محکوم شده است بزه‌دیده قلمداد شود...»؛ بنابراین به رسمیت شناختن حقوق بزه‌دیده، مستلزم شناسایی مرتکب نیست و تحقیقات در فرض نامعین بودن متهم نیز آغاز می‌شود.

طبق ماده‌ی ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲): «بازپرس نمی‌تواند با عذر آن که متهم معین نیست، مخفی شده و یا دسترسی به او مشکل است، تحقیقات وی را متوقف کند...». در رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۵۲ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۱ در همین ارتباط آمده است: «... ایجاب می‌نماید اعم از اینکه شاکیان یا مدعیان خصوصی درخواست تعقیب و اقامه دعوایی کرده یا نکرده باشند، دادستان خود مرتکبین آن را تعقیب و به کیفر برساند و این امر مستلزم آن است

۱. جهت اطلاع از حقوق بزه‌دیده در این موارد، رک:

شیری، عباس: رفتار کرامت مدار با بزه‌دیده، اعطای اختیار در مرحله‌ی تعقیب و تحقیق، مندرج در تازه‌های علوم جنایی، کتاب اول، صص ۴۵۸ تا ۴۶۱، زیر نظر: دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، ۱۳۹۲، نشر میزان.

2. Declaration of Basic Principle on Justice for Victims of Crime an abuse of Power, 1985.

این بیانیه به موجب قطع‌نامه‌ی شماره ۴۰/۳۴ مورخ ۱۹۸۵، به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است و از طریق آدرس زیر قابل دسترس می‌باشد:

<http://www.victimology/n1/on1pub/declar.htm>

که تعقیب و مجازات مرتکبین چنین جرمی صرفاً مبتنی بر تقاضای صاحبان حق یا قائم مقام قانونی آنان نباشد...».

در جرایمی نظیر سرقت، قتل، تصادفات جرحی راهنمایی و رانندگی و... معمولاً مرتکب برای بزه‌دیده شناخته شده نیست. عدم شناسایی مرتکب یا مظنون، نباید مانعی برای شروع به تحقیقات جنایی باشد. به همین جهت ماده‌ی ۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) مقرر می‌دارد: «... در شکوائیه موارد زیر باید قید شود: ... ث - مشخصات و نشانی متشکی عنه با مظنون در صورت امکان». در موارد متعددی امکان معرفی مرتکب وجود ندارد. مثلاً در اکثر موارد مربوط به سرقت، قتل، آدم‌ربایی، تجاوز به عنف و نظایر آنها، بزه‌دیده نمی‌تواند شخص یا اشخاص معینی را به عنوان متهم یا مظنون معرفی نماید. این موضوع نباید مانعی برای ثبت شکایت و شروع به تحقیقات باشد. شکایت بزه‌دیده، چرخ‌های نظام عدالت کیفری را به حرکت درمی‌آورد و به همین جهت به شناسایی و تعقیب بزه‌کار کمک می‌کند؛ بنابراین یکی از کسانی که می‌تواند به شناسایی هویت متهم کمک کند، بزه‌دیده است. لذا تعامل بزه‌دیده با پلیس، از این حیث حائز اهمیت خاص است؛ چرا که تا متهم شناسایی نگردد، اقدامی مؤثر برای احقاق حقوق بزه‌دیده به عمل نخواهد آمد. در همین راستا، بخش‌های مختلف در پلیس ایجاد شده که عهده‌دار شناسایی هویت بزه‌کاران است. «به‌طور کلی ادارات مرکزی تشخیص هویت و بایگانی‌های جنایی امروزه عامل مهمی در شناخته شدن و دستگیر شدن مجرمین فراری محسوب می‌گردند. در غالب کشورها چنین اداراتی تأسیس شده و مخصوصاً در مورد مجرمین بین‌المللی کمک شایانی به دستگیری و تحویل آنان به دستگاه قضایی می‌نمایند» (سودرمن - اوکانل، ۱۳۴۲: ۷۹).

در بایگانی‌های جنایی پلیس، عکس‌هایی از بزه‌کاران حرفه‌ای و با سابقه وجود دارد که با ارائه آن به بزه‌دیدگان می‌توان، هویت آنان را مشخص نمود. سوابق چهره‌نگاری‌شده‌ی مظنونان نیز در بایگانی‌های پلیس وجود دارد که با مشاهده این تصاویر توسط بزه‌دیدگان، می‌توان به

### هویت بزه کاران پی برد.<sup>۱</sup>

در اکثر موارد، بزه دیده تنها کسی است که مرتکب را مشاهده نموده و می تواند اطلاعاتی درباره جنسیت (زن یا مرد بودن)، سن، رنگ پوست، وزن، قد، چهره، موی سر (از نظر رنگ، اندازه، نوع و...)، چشم، ابرو، بینی، مشکل صورت، لب، دهان، گوش، پیشانی و... در اختیار پلیس قرار دهد. این اطلاعات در چهره نگاری و شناسایی هویت متهم بسیار مفید خواهد بود. وجود علامت های بارز در چهره یا بدن، نظیر خال، خال کوبی، بریدگی، آثار جراحی، آبله، سوختگی و... نیز در شناسایی هویت مرتکب مؤثر است که راهنمایی های بزه دیده در این موارد نیز کمک مؤثری به پلیس می نماید. نقص عضو نظیر، لنگی پا، نابینایی یک چشم، قطع انگشت یا یک دست و نظایر آن ها نیز به شناسایی مرتکب کمک می کند.

پلیس آگاهی با تشکیل بخش های انگشت نگاری، چهره نگاری و... تلاش های مؤثری جهت شناسایی بزه کاران انجام می دهند. بزه دیدگان، با همکاری با این بخش ها می توانند به شناسایی هویت مرتکب کمک نمایند.<sup>۲</sup> به یک مثال واقعی توجه کنید:

برخی از بزه کاران حرفه ای با پوشش مسافربرهای شخصی، با شناسایی افرادی که از بانک به

۱. کسانی که قبلاً دستگیر شده و به زندان اعزام می شوند (به عنوان متهم یا محکوم)، از آنان عکسبرداری می شود. این عکس ها از زوایای مختلف، عقب، جلو، پشت، نیم رخ و بالای سر گرفته شده و همراه با انگشت نگاری، در بایگانی زندان نگهداری می شود. در جرایم سریالی یا جرایم خاص که توسط اشخاص خاصی امکان ارتکاب دارد، این سوابق بسیار سودمند است. مثلاً در سرقت های از منازل، سرقت های مسلحانه، جعل و... پلیس، با آشنایی از شگردها و روش های خاص بزه کاران حرفه ای، در بسیاری موارد می تواند با مراجعه به این سوابق و ارائه آن به بزه دیدگان، هویت مرتکبان را شناسایی کند. یکی از نقایص تحقیقات پلیسی در ایران، پراکندگی بایگانی های جنایی است. تعدد ضابطان دادگستری موجب گردید، که هر کدام بایگانی مستقلی تشکیل داده و عملاً دسترسی به این سوابق را برای دیگران محدود نماید. استقلال نهاد زندان از سایر ضابطان، نیز مانع بزرگی در تشکیل یک بایگانی جامع از متهمان و محکومان است. تشکیل بایگانی جنایی واحد الکترونیکی و امکان دسترس (بدون محدودیت) برای کلیه ضابطان دادگستری از طریق کامپیوترهای دستی، (همانطور که در اکثر واحدهای پلیس کشورهای پیشرفته وجود دارد)، بسیار مؤثر خواهد بود.

۲. شناسایی جسد متوفی توسط خانواده قربانیان و...

همراه پول نقد یا چک پول خارج می‌شوند، آنان را سوار کرده و در فرصت مناسب وارد خیابان خلوت شده و با تهدید یا ضرب و شتم، مسافر، وجوه را اخذ و متواری می‌گردیدند. رئیس پلیس آگاهی تهران درباره نحوه دستگیری این سارقان اظهار می‌دارد: «رسیدگی به پرونده با شکایت یکی از مالباختگان به اداره یکم پلیس آگاهی در دستور کار قرار گرفت... کارگهان اداره مبارزه با سرقت بلافاصله با استفاده از اطلاعات مالباخته چهره فرضی سارقان را ترسیم کردند و مرحله بعد با مراجعه به پرونده‌های مشابه متوجه شدند سارقان در محدوده تقریباً ثابتی که تراکم شعب بانک‌های مختلف در آن زیاد است اقدام به سرقت می‌کنند.» (به نقل از روزنامه اعتماد، ۷ شهریور ماه ۱۳۸۷، ص ۵) با دقت در اظهارات نامبرده، اهمیت شکایت بزه‌دیدگان و نقش آنان در شناسایی و تعقیب بزه‌کاران مشخص می‌شود. به‌ویژه در جرایم سریالی،<sup>۱</sup> که وجوه اشتراک بین بزه‌دیدگان به عنوان آماج جرم، سرنخ اصلی جهت دستگیری بزه‌کاران است، توجه به بزه‌دیده، اهمیت بیشتری دارد.<sup>۲</sup>

## ۲-۲. نقش بزه‌دیده در معاینه‌ی محل و تحقیق محلی

معاینه‌ی محل و تحقیق محلی<sup>۳</sup> در حقوق تحقیقات جنایی، نقش مهمی در اثبات بزه‌کاری ایفاء می‌نماید. منظور از معاینه‌ی محلی مشاهده‌ی محل بزه‌دیدگی توسط بازپرس یا سایر مقامات ذی

۱. برای مطالعه بیشتر درباره‌ی قتل‌های سریالی رک.

-هیکی، اریک دلیو: قاتلان سریالی و قربانیان آن‌ها، ترجمه‌ی یاشار سیف‌اللهی،

— غلام‌لو، جمشید: قتل‌های سریالی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۹، به راهنمایی دکتر عباس شیری.

۲. ساختگی بودن جرم در جرایمی نظیر سرقت، آتش‌سوزی و که شخص به ظاهر وانمود می‌نماید مورد بزه واقع شده است، با بررسی صحنه جرم مشخص می‌شود که نیازمند بررسی بیشتر در مقاله‌ی مستقلی است و از حوصله‌ی این نوشتار خارج است.

۳. قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) مانند مقررات قبلی، معاینه محل را تعریف نکرد و صرفاً به صلاحیت بازپرس جهت اقدام به معاینه محل بسنده نمود.

صلاح است. قانون آیین دادرسی کیفری<sup>۱</sup> مواد متعددی را به معاینه‌ی محلی و اهمیت آن در تحقیقات جنایی اختصاص داده است. ماده‌ی ۱۲۳ قانون یاد شده در راستای حفظ حقوق بزه‌دیده حق بزه‌دیده در تقاضای معاینه‌ی محلی را پذیرفته است: «هرگاه برای کشف واقع و روشن شدن موضوع، تحقیق محلی یا معاینه محل ضرورت یابد و یا متهم یا شاکی درخواست نمایند، بازپرس اقدام به تحقیقات محلی یا معاینه محل می‌کند.» تحوّل مهم ماده‌ی یاد شده محدود کردن اختیار بازپرس است؛ زیرا در گذشته موضوع فقط به تشخیص مقام قضایی بستگی داشت، ولی طبق ماده‌ی یاد شده در صورت درخواست بزه‌دیده، بازپرس مکلف به صدور دستور جهت معاینه‌ی محل و تحقیق محلی خواهد بود.

حضور بزه‌دیده در هنگام اجرای معاینه محل و تحقیق محلی می‌تواند به کشف حقیقت و اثبات ادعای بزه‌دیده کمک کند. به همین جهت ماده‌ی ۱۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) مقرر می‌دارد: «...هنگام معاینه‌ی محل، اشخاصی که در امر کیفری شرکت دارند می‌توانند حاضر شوند...». راهنمایی‌های بزه‌دیده می‌تواند به جمع‌آوری دلایل ارتکاب جرم کمک کند. معمولاً بازپرس‌ها فرصت کافی جهت حضور در هنگام اجرای معاینه‌ی محل یا تحقیق محلی را ندارند. به همین جهت در صدر ماده‌ی ۱۲۵ قانون یاد شده آمده است: «معاینه

۱. در قانون آیین دادرسی کیفری بین معاینه محل و تحقیقات محلی تفکیک صورت نگرفته است. مواد ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷ و ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) معاینه محل و تحقیق محلی را با هم ذکر کرده است. ولی قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ در ماده‌ی ۲۴۸ معاینه‌ی محل و در ماده‌ی ۲۴۹ همان قانون به تحقیق محلی پرداخته و بدین وسیله دو مفهوم را از هم تفکیک نموده است. روش قانون آیین دادرسی مدنی نسبت به قانون آیین دادرسی کیفری دقیق‌تر است چون معاینه محل و تحقیق محلی دو مفهوم متفاوت هستند. لذا، در دعاوی مدنی، دادگاه باید دو قرار جداگانه برای معاینه محل و تحقیق محلی صادر نماید، ولی در امر کیفری، صدور یک قرار یا حتی دستور اداری کفایت می‌کند. چون در مواد ۲۴۸ و ۲۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ اصطلاح «قرار» ذکر شده است، ولی در مواد ۱۲۳ تا ۱۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) از اصطلاح قرار استفاده نشده فقط در ماده‌ی ۱۲۴ و تبصره‌ی ماده‌ی ۱۲۵ از واژه «دستور» استفاده شده است.

محل تحقیق محلی توسط بازپرس و یا به دستور او توسط ضابط دادگستری انجام می‌شود...». عملاً بازپرس و مقامات قضایی هم چاره‌ای جز تأیید اقدامات ضابطان دادگستری ندارد. فقط در خصوص جرایم موضوع بند (الف) ماده‌ی ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) (جرایم موجب مجازات سلب حیات) و هنگام معاینه‌ی اجساد حضور بازپرس الزامی است.

در جهت حفظ حقوق بزه‌دیده، حضور بازپرس حائز اهمیت است؛ زیرا تشخیص اولیه‌ی بازپرس مبنی بر مرگ طبیعی، خودکشی یا قتل، در ادامه‌ی تحقیقات مؤثر خواهد بود. در صورتی که تشخیص اولیه‌ی بازپرس، طبیعی بودن فوت بزه‌دیده باشد، اجازه‌ی دفن را صادر و پرونده بایگانی خواهد شد. در صورت اشتباه بازپرس، عملاً اثبات بزه‌کاری، غیرممکن خواهد شد. به همین جهت ماده‌ی ۱۳۱ قانون یاد شده مقرر می‌دارد: «بازپرس برای حفظ جسد، کشف هویت متوفی و چگونگی فوت وی، نسبت به ترسیم کروکی، عکسبرداری و در صورت امکان، فیلمبرداری از جسد و غیره اقدام و دستورهای لازم را صادر می‌کند». شناسایی هویت متوفی (بزه‌دیده) یکی از مهم‌ترین موضوعات در بررسی صحنه جرم است. عدم شناسایی متوفی، موجب می‌شود که وی به صورت مجهول‌الهویه دفن گردد و کسی پی‌گیر پرونده نباشد و بدین وسیله ضمن عدم شناسایی و تعقیب بزه‌کار، حقوق بزه‌دیدگان ثانویه نیز تضییع گردد. به همین جهت ماده‌ی ۱۳۲ و تبصره یک آن، تهمیدات لازم را پیش‌بینی نموده است: «هرگاه هویت متوفی معلوم نباشد به دستور بازپرس، علائم و مشخصات جسد به طور دقیق در صورت مجلس قید می‌گردد و اثر انگشتان دست متوفی در پرونده ثبت و برای تشخیص هویت وی به هر نحو که مقتضی بداند، اقدام می‌شود.

تبصره- در صورت ضرورت، بازپرس می‌تواند دستور انتشار تصویر متوفی را در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی نیروی انتظامی یا پزشکی قانونی و یا به هر نحو مناسب دیگر صادر کند». از دیدگاه بزه‌دیده شناسایی در هنگام معاینه محل، اقدامات خاص باید توسط ضابطان دادگستری صورت پذیرد. ممکن است بزه‌دیده یا خانواده وی در معرض خطر و آسیب‌دیدگی

قرار داشته باشند، در این صورت حفظ جان و سلامتی آن بر هر امر دیگری از جمله جمع آوری دلایل جرم، مقدم است؛ بنابراین اولین اقدام آن‌ها، باید انجام فوریت‌های پزشکی و حمایتی باشد.

## ۲-۳. نقش بزه‌دیده در بررسی صحنه جرم<sup>۱</sup>

صحنه جرم، به محلی گفته می‌شود که جرم در آن‌جا اتفاق افتاده است.<sup>۲</sup> حضور به موقع ضابطان دادگستری در صحنه جرم بر روند تحقیقات جنایی و حفظ حقوق بزه‌دیدگان تأثیر بسزایی دارد. ضابطان دادگستری علاوه بر انجام فوریت‌های پزشکی و حمایتی برای بزه‌دیدگان وظایف و تکالیف مهمی بر عهده دارند. ضابطان دادگستری می‌توانند وفق ماده‌ی ۱۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲): «در صورت ضرورت از ورود افراد و خروج آنان از محلّ جلوگیری کنند.» به همین جهت در آیین‌نامه اجرایی صحنه جرم آمده است: «پیگیری و انجام اقدامات لازم مربوط به امداد رسانی به مصدومین احتمالی در صحنه جرم و در صورت ضرورت جلوگیری از حوادث احتمالی بعدی از قبیل آتش‌سوزی، انفجار، ریزش آوار، به عهده‌ی «ضابطان مربوط محل» و با دستور رئیس گروه بررسی صحنه جرم صورت می‌پذیرد...».

در گذشته، بررسی صحنه جرم، بزه‌کار محور بوده است، ولی رفته رفته، به نقش بزه‌دیده در

۱. «بررسی صحنه جرم، یکی از اقدامات و وظایف اجتناب ناپذیر در عرصه رسیدگی به مسایل مربوطه به جرم و جنایت است... روند بررسی صحنه جرم، شامل بازرسی و ارزیابی محل، به منظور دستیابی به شواهد و مدارکی است که در آن قرار دارند و یا طی این روند به دست می‌آیند، در این راستا کارشناس‌های صحنه جرم، در شش مرحله صحنه جرم را مورد بررسی قرار می‌دهند:

۱- ارزیابی، ۲- مشاهده، ۳- مستندسازی، ۴- جستجو، ۵- گردآوری (مدارک) ۶- تجزیه و تحلیل» (گاردنر، ۱۳۸۵، ص ۲).  
 ۲. طبق ماده‌ی یک آیین‌نامه‌ی اجرایی حدود اختیارات، شرح وظایف و چگونگی بررسی صحنه جرم مصوب ۱۳۹۶/۶/۲۸ مقرر می‌دارد: «صحنه جرم محلی است که مرتکب جرم رفتار مجرمانه خود را در آن‌جا انجام داده است.» البته نمی‌توان صحنه جرم را محدود به محل ارتکاب جرم دانست. مکان‌های نزدیک به محل وقوع جرم و مسیرهای رفت و آمد، ممکن است متضمن آثاری از ارتکاب جرم مشاهده شود. لذا، در معنای وسیع‌تری باید صحنه جرم تعریف شود.



صحنه‌ی جرم بیشتر توجه شده است. «صحنه جرم (هر چند کوچک یا بزرگ) اصلی‌ترین منبع حاوی اطلاعات، مدارک و شرایط ارزشمندی است که برای پی‌جویی جرایم به کار می‌آید» (بیابانی، ۱۳۹۰: ۱۳۲). در جرایمی نظیر قتل، ضرب و جرح، سرقت، تجاوز به عنف، آدم‌ربایی آتش‌سوزی، انفجار<sup>۱</sup> و... بررسی صحنه جرم، در شناسایی متهم و اثبات بزه‌کاری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آثار مادی باقی‌مانده در صحنه جرم، نظیر آثار انگشت، باروت و سایر اشیاء بر روی بدن یا لباس بزه‌دیده، لکه خون، اسپرم، ادوات جرم باقی‌مانده در محل نظیر سلاح‌های سرد و گرم و... کمک مؤثری در کشف حقیقت می‌نماید. با گسترش تکنولوژی و نصب دوربین‌های مداربسته در اکثر اماکن عمومی و حتی مجتمع‌های مسکونی و اداری، بررسی صحنه جرم از اهمیت روزافزونی برخوردار گردیده است.

ماده‌ی ۱۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) تحول مهمی در خصوص صحنه‌ی جرم ایجاد نموده است. طبق ماده‌ی یاد شده: «صحنه جرم باید توسط گروه بررسی صحنه جرم که حسب مورد، متشکل از پزشک قانونی، کارشناسان بررسی صحنه جرم و تشخیص هویت، کارآگاهان نیروی انتظامی و عنداللزوم سایر کارشناسان است، تحت نظارت بازپرس و در صورت ضرورت به سرپرستی وی بررسی شود.» در آیین‌نامه اجرایی<sup>۲</sup> تبصره یاد شده، برای اولین بار در حقوق ایران به نقش بزه‌دیده توجه شد. در قسمتی از ماده‌ی یاد شده آمده است: «... گرفتن نمونه‌های زیستی بزه‌دیده...». بدیهی است موضوعات مرتبط با بزه‌دیده در صحنه‌ی جرم، محدود به نمونه‌های زیستی بزه‌دیده نیست و سایر موضوعات مرتبط را نیز در بر می‌گیرد. تحول مهم بعدی مربوط به حضور جرم‌شناس در بررسی صحنه‌ی جرم است.<sup>۳</sup> در تبصره‌ی دو

۱. برای مطالعه درباره بررسی صحنه‌های آتش‌سوزی و انفجار، رک. (زند اکبری - فدائیان، ۱۳۸۵)

۲. براساس تبصره‌ی ماده‌ی یاد شده، آیین‌نامه اجرایی ماده‌ی یاد شده در تاریخ ۱۳۹۶/۶/۲۸ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید. آیین‌نامه مذکور مطالب بسیار مهمی را در رابطه با صحنه‌ی جرم پیش‌بینی نمود.

۳. در ماده‌ی ۱۰ آیین‌نامه اجرایی و بندهای آن سایر موضوعات مهم مرتبط با بزه‌دیده مورد توجه قرار گرفته است.

ماده ۶ آیین نامه مذکور آمده است: «سایر کارشناسان مذکور در ماده ی فوق، افرادی از قبیل کارشناسان آتش نشانی، اورژانس، جرم شناس، و روان شناس ... که متناسب با نوع جرم به تشخیص و دستور بازپرس در صحنه ی حضور می یابند.»

آثار باقی مانده<sup>۱</sup> در صحنه جرم به نوعی با بزه دیده و متهم ارتباط پیدا می کند. در گذشته مطالعات صحنه جرم متمرکز بر بزه کار بوده است، ولی در حاضر، بررسی وضعیت بزه دیده نیز، مطمح نظر قرار گرفته است. راهنمایی های بزه دیده در خصوص این آثار، بسیار سودمند است.<sup>۲</sup> گاردنر با تصویب مثلث زیر، روابط میان قربانی، مظنون و صحنه جرم را با شواهد و مدارک به دست آمده مشخص نموده است.



«فلسفه این مثلث آن است که به کارآگاه یادآوری می کند هر شیء یافت شده در محل جرم

۱. «بخش گسترده ای از شواهد فیزیکی را مواردی در بر می گیرند که در اصطلاح آثار به جا مانده می گوئیم... هر شیء یا ماده ای می تواند از گروه شواهد فیزیکی تلقی شود... شواهد فیزیکی... در حوزه معنای حقوقی عبارت است از: شیء قابل مشاهده ای که به صورت رسمی در قالب شواهد فیزیکی به پیشگاه دادگاه ارائه می شود... از لحاظ علمی هم، هر شیء و یا ماده ای که از صحنه جرم (مظنون و یا قربانی) به دست می آید، برای کارگهان بتواند به عنوان راهنما و سرنخ تلقی شود، از گروه شواهد فیزیکی تلقی می شود.» (کدی، ۱۳۸۵، ص ۲)

۲. در جریان یک پرونده واقعی تجاوز به عنف، متهم منکر ورود به منزل بزه دیده و تجاوز به وی بوده است. وجود آثار انگشت بر روی درب یخچال و شیشه آب درون آن، که با راهنمایی های بزه دیده صورت گرفت، به اثبات اتهام مرتکب انجامید.

حتماً به گونه‌ای با صحنه جرم، قربانی و یا مظنون‌ها ارتباط پیدا می‌کند. در واقع هر چیزی که در صحنه پیدا شود، چنانچه با توجه به این مثلث بتوان آن را به مظنون، قربانی یا صحنه جرم ربط داد، آنگاه آن شیء به عنوان مدرک جرم دارای ارزش می‌گردد.» (گاردنر، ۱۳۸۵: ۲۰).

بنابراین، توجه به بزه‌دیده<sup>۱</sup> در بررسی صحنه جرم، اهمیت خاصی دارد و یکی از ارکان اصلی آن می‌باشد. راهنمایی بزه‌دیده و تعامل سازنده وی با پلیس در روشن شدن حقیقت بسیار مؤثر خواهد بود. بازسازی صحنه جرم در اکثر موارد بدون مشارکت بزه‌دیده دشوار و یا حتی غیرممکن می‌باشد؛ بنابراین باید به نقش فعال بزه‌دیده در بررسی صحنه جرم توجه شود.<sup>۲</sup> به همین جهت ماده ۱۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) حق بزه‌دیده را برای تقاضای تحقیق محلی یا معاینه محل یعنی محل بزه‌دیدگی، به رسمیت شناخته است: «هرگاه برای کشف واقع و روشن شدن موضوع، تحقیق محلی یا معاینه محل ضرورت یابد و یا متهم یا شاکی درخواست نمایند، بازپرس اقدام به تحقیقات محلی یا معاینه محل می‌کند» هم‌چنین بزه‌دیده بر اساس ماده‌ی ۱۲۵ قانون یاد شده می‌تواند در معاینه محل و تحقیق محلی حاضر شود.

تشکیل پلیس ویژه بررسی صحنه جرم در ایران، از اقدامات مثبت پلیس ایران در سال‌های اخیر است که در موارد زیادی منجر به شناسایی هویت مرتکبان و اثبات بزه‌کاری یا بی‌گناهی متهمان گردیده است.

۱. این توجه محدود به حمایت از بزه‌دیده نیست، زیرا ممکن است بزه‌دیده در بزه‌دیدگی خویش مقصر باشد، در این صورت، مشخص شدن میزان تقصیر وی و در نتیجه کاهش یا رفع مسئولیت متهم، منوط به بررسی صحنه جرم خواهد بود. همان‌گونه که ماده ۳۳۳ قانون مجازات اسلامی، یکی از مصادیق آن را بیان داشته است. امروزه به ویژه در تصادفات رانندگی، این موضوع اهمیت خاص دارد.

۲. بحث تفصیلی در این باره از حوصله این مقاله خارج است و به همین مقدار بسنده می‌گردد. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مستقلاً بحث صحنه جرم را مورد بحث قرار نداده است. مواد مرتبط با معاینه محل، تحقیق محلی و بازرسی، می‌تواند مرتبط با صحنه جرم قلمداد شود، هر چند مواد مربوط منحصر به صحنه جرم نیست.

## برآمد

حقوق تحقیقات جنایی بزه‌دیده محور، رویکردی نسبتاً جدید محسوب می‌شود. توجه به موقعیت بزه‌دیده در شناسایی متهمان، پی‌جویی تحقیقات جنایی و اثبات بزه‌کاری از محورهای اصلی بحث است. رویکرد حقوق تحقیقات جنایی بزه‌کار محور دارای کاستی‌های زیادی در فرآیند تعقیب و تحقیق است که منجر به عدم شناسایی بزه‌کاران، عدم اثبات بزه‌کاری و در نتیجه عدم جبران آسیب‌های مادی و معنوی وارد به بزه‌دیدگان است. مشارکت بزه‌دیده در فرآیند تحقیقات جنایی می‌تواند تا حدود زیادی این نواقص را جبران نماید. ضمن این‌که از بزه‌دیدگی ثانویه نیز پیش‌گیری می‌نماید. موانع جدی مشارکت ممکن است مربوط به عدم طرح شکایت و اعلام بزه‌دیدگی باشد. قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) و قوانین خاص مانند قوانین حمایتی از کودکان بزه‌دیده یا حفاظت از محیط زیست یا مقابله با فساد اداری، تحولات مهمی در حقوق ایران در این ارتباط ایجاد نموده‌اند، ولی با نگاهی جامع‌تر باید، موارد مستقلاً در قانون آیین دادرسی کیفری به حقوق تحقیقات جنایی بزه‌دیده محور اختصاص یابد.

ضمن این‌که باید فصل مستقلاً نیز به موارد الزام به گزارش‌دهی در قانون آیین دادرسی کیفری اختصاص داده شود. رویکرد قانون‌گذار در ماده‌ی ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) باید نسبت به سایر جرایم علیه صدمات جسمانی و معنوی دارای بزه‌دیده حقیقی نیز گسترش یابد. مورد دیگر مربوط به نقش بزه‌دیده در بررسی صحنه‌ی جرم است که علی‌رغم تحولات مثبت ایجاد شده در قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) و آیین‌نامه اجرایی بررسی حدود اختیارات، شرح وظایف و چگونگی بررسی صحنه‌ی جرم مصوب ۱۳۹۶/۶/۲۸، نیاز به پیش‌بینی‌های جامع‌تری در صحنه‌ی جرم در ارتباط با بزه‌دیدگان احساس می‌شود.

## منابع

- انصاری، ولی‌الله (۱۳۸۰)، حقوق تحقیقات جنایی (مطالعه‌ی تطبیقی)، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- برجس، آن ولبرت؛ رگر، چریل؛ رابرتس، آلبرت آر (۱۳۹۵)، بزه‌دیده شناسی، نظریه‌ها و کاربردها، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: نشر میزان.
- بیابانی، غلامحسین (۱۳۹۰)، «جایگاه مدیریت صحنه جرم در جرم‌یابی»، فصلنامه‌ی کارگاه، سال چهارم، شماره ۱۶: صص ۱۴۰-۱۲۹.
- پورعلی، رامین (۱۳۹۵)، بررسی دلایل عدم دادخواهی بزه‌دیدگان، مطالعه‌ی موردی شهر تهران (۱۳۹۰-۱۳۹۵)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- درنر جی، ویلیام (۱۳۶۳)، بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه‌ی عباس شیری، صص ۱۴۰۸ تا ۱۴۱۸، مندرج در رأی وحدت رویه شماره‌ی ۵۲ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۱
- زنداکبری، صدیقه؛ خدائیان، سید مرتضی (۱۳۸۵)، «بررسی صحنه‌های آتش‌سوزی و انفجار»، تهران: دفتر تحقیقات پلیس آگاهی ناجا.
- سودرمن، هاری؛ اوکانل، جان (۱۳۷۷)، پلیس علمی - کشف علمی جرایم، ترجمه‌ی یحیی افتخارزاده، چاپ سوم، تهران: انتشارات زوار.
- شیری، عباس (۱۳۹۲)، «رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده، اعطای اختیار در مرحله‌ی تعقیب و تحقیق»، مندرج در تازه‌های علوم جنایی، کتاب اول، صص ۴۵۸ تا ۴۶۱، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- فرجیها، محمد (۱۳۹۰)، «مدیریت امور جرم‌یابی»، فصلنامه‌ی کارگاه، سال چهارم، شماره ۱۵: صص ۲۲-۶.
- کدی، برایان (۱۳۸۵)، بررسی جنایی شیشه و رنگ، ترجمه‌ی علی شادکام و حسین دیبایی

اصل، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس آگاهی ناجا.

- گاردنر، راس ام (۱۳۸۵)، بررسی کاربردی صحنه جرم، ترجمه علی شادکام، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس آگاهی ناجا.

- مذاکرات و آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور ۱۳۸۱ (۱۳۸۴) تألیف اداره وحدت رویه و نشر مذاکرات هیأت عمومی دیوان عالی کشور، چاپ روزنامه‌ی رسمی کشور.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ توجهی، عبدالعلی (۱۳۷۸)، «بزه‌دیده شناسی و مشکل بزه‌دیدگی‌های گزارش‌نشده»، مجله‌ی مدرس، شماره‌ی ۴: صص ۸۰-۷۱.

- ویتن، ای مارک (۱۳۹۳)، «آزار و بی‌توجهی و سوء رفتار نسبت به کودک: گزارش‌دهی الزامی»، ترجمه دکتر حسن قاسمی مقدم، ص ۱۲۸ تا ۱۳۰، مندرج در کتاب: دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیش‌گیری از وقوع جرم، جلد اول، تهران: نشر میزان.

- Chlesinger, Philip; Tumber, Howard (1995): *Reporting Crime, The Media Politics of Criminal Justice*, Clarendon press, Oxford.

- Douglas, John; Burgess, Annw; Burgess, Allen G.; Ressler, Robert K. (2013). "Crime Classification Manual: A Standard System for Investiga and Classifying Violent Crime", 3 rd Edition, , Wiley, USA.

- Holmes, Ronald.M.; Holmes, Stephen T. (2010). *Serial Murder*, 3<sup>rd</sup> edition, California: SAGE publication.

- Turvey, E. Brent; Petherick, Wayne (2009): *Forensic Victimology, Examining Violent Crime Victims in Investigative and Legal Contexts*, USA: Academic Press in an imprint of Elsevier.



## The Role of the Victim in the Criminal Investigation Rights

Abbas Shiri Varnamkhasti<sup>1</sup>

(Received: 22/ 9/ 2018 - Accepted: 3/ 2/ 2018)

### Abstract

Criminal Investigation Rights focuses on laws and regulations to discuss crime detection, identification of the accused, proof of delinquency, identification of the victim and determination of material and moral damage to him. Criminal investigation processes begin with a victim's complaint, the announcement of official and informal officials, information by legal and natural persons, victim supporters, or the detection of a crime by the police. The main challenge at this stage is the lack of complaints and the reporting of victim to the police and criminal justice institutions. Victimization examination and crime scene investigation are the main axis of the criminal investigation law. The testimony of intuition, testimonials, and expert reports are effective in discovering the truth and proving criminal misconduct, which is always part of the topic of criminal investigation rights. In the past, the law of criminal investigations focused on delinquent, victim studies have caused criminal investigations to pay attention to the role of the victim. This article has been written based on a victim support approach and a review of the issue in the field of victimology. The main topics discussed include the launch of criminal investigations and its challenges, the role of the victim in local examination and local investigation, and the role of the victim in the investigation of crime scenes.

**Keywords:** criminal Investigation, Victim, Complaint, Declaration.

---

1. Assistant Professor in Criminal Law and Criminology, University of Tehran, Tehran: ashiri@ut.ac.ir